

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
ساحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیه (جبل المتین)
(عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
نام مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر ادارہ آقا شیخ یحیی کاشانی
غیر از روزهای جمعه همه روز
طبع و توزیع میشود

یومیه

کَمَلَات

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالانه

طهران ۳۰ قران
سایر بلاد داخله ۳۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ قران
(قیمت یک نسخه)
در طهران صد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان مطری
دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

با امضا قبول و درانتشار اداره آزاد است

دو شنبه ۱۳ رمضان المبارک ۱۳۳۵ هجری قمری و ۱۴ ابانماه جلالی ۸۲۹ و ۱۲۲ کتبر ۱۹۰۷ میلادی

(روحش کار میکند)

سلطنت و دولت ایران آیا برای یکده مخصوصی
از مردم که عده آنها بدویست نفر نمیرسد و از آنها
بوكلاء ملت تعبیر میشود مشروطه است و آزادی اقوال مختص
باندوات محترم است و سایر مردم در عداد حنوان بارکش
وحشرات محسوب و محدود اند نه مالشان محفوظ و نه
شرفشان مصون است یا خیر پادشاه تاجدار ما این مشروطیت
و آزادی را بسی کرور نفوس ایران عطا فرموده و هیچ
فردی از افراد این ملت را استثناء نکرده هر کس اسامی
ایرانی و ارتبه دولت ایران شمرده میشود باین خلعت کراتها
مخلع است — اگر این حرفها همه دروغ است و مال
و جان کسی در این و امان نیست درست بیاخبر بدهند
و قانون اساسی را جمع کرده خلق را باغفال نیکنند تا
ما مردم تکلیف خود را بدانیم و مثل سابق رفتار کرده
از از آب حل و عقد تعلق بگوئیم تا چند صباح آسوده
و فارغ البال زندگی کنیم متعرض آصف الدوله و
قوام الدوله نشویم و خود را در هزار محظور و خطر
نیندازیم و در حضور عموم مورد هزاران فحش و ناسزا
و دشنام نگردیم همان اوضاع سابقه را پیش گیریم و
لدی الضروره کاسه و کوزه را فروخته بچهار شاهی
رشوه از مگر و سید اعداء خلاص گردیم —

و چون بمجلسی ورود کنیم هفت ج زمین ادب
بیوسیم و پنج مرتبه کرش کنیم و باشش زبان مدبحة
آغازیم منتسی سابقا برای حضرت اشرف و جناب اجل
تظلم و تکریم میگرددیم امروز خدمت استاد فلان و شهدی
بهمان گردن خم میکنیم و اسامی مبارکشان را با هزار سلام

و صلوات و دوست تکریم و تحیات بر زبان جاری میسازیم
میل شریفشان را متابعت و امر مطاعشان را اطاعت مینمائیم
لازم نیست همیشه ما در هر دوره توسری خور باشیم در
دوره استبداد زنجیر رقبه مارا مجروح میساخت و وقتی
که این آقایان محترم کلمه از تمدن و انسانیت بگوششان
نخوردند و درشش در عیش مشغول راحت و تنعم بودند
محبس تاریک اردبیل خوابگاه ما و خوندل و جگر قوت
و غذایمان بود شما آنروز کجا بودید چرا دم نمیز دید
اکنون نیز که دوره مشروطیت گردیده اگر باز نماند
همان آتش و کاسه باشد زهی بدبختی و خبی بر انصافی
بهر آستکه مانیز همرنک حریفان شویم و بار فقاء راه
رویم خود را بدر سر و مخممه نیفکنیم

لکن صدای سی کرور نفوس ایران در گوش من میگردد
خیر ایران محل آزدگان و مکنم دلیران و وطن پرستان
است ماسی کرور خالق با تمام قوی وهستی خود حفظ
بنیان این اساس را که باخون خویش برقرار و اختوار
گردیم حاضر یم تترسید و در گفتن کلمه حق بالا نداشته
باشید حق را بگوئید و از تهدید و وعید و دشنام و ناسزا
اندیشه نکنید و بایک قلب پر قوت که پشت گرم بحمايت سی
کرور همه متبده و همراهی است کار کنید حقیقت خود را
ثابت کرده و شرف خویش را مطالبه نمئید و به محکه
تظلم کنید که ترتیب مشروطیت فرق بین غنی و فقیر
وکیل و موکل نمیکند آرد و انسانیت را پای مال سم
غولان و ددان نمیکرد دانند — استماع این صوت
یر جوهر که از حنجره پانزده میلیون نفوس بیرون
آمده مارا مجبور میسازد که حقوق خوهر را مطالبه
کنیم و حسانیت و مظلومیت خویش را بهمه اهل عالم

نشان دهیم و انرا که دست تعدی بجانب شرف و اعتبار مادران نموده اند جلب بمدالت کنیم و دریناه راضی و درستی انانرا ب مجازات ناکوار که عبرت هر بیننده کرده رسانیده بدانز این عامه و خاصه را حالی کنیم که در مملکت مشروطه یگانه شخص در ظل کلمه دیانت و استقامت و درستی چگونه بر هزاران هزار دشمن غالب میشود و مفاد حدیث شریف نبوی را نشان دهیم که (الحق یملو ولا یملی علیه) — اکنون با نیتی خالص و عزمی ثابت و قدمی راسخ که ترنزل را در ارکان آن راه نیست و اطمینان کامل که از حسن مقصد و مقصود خود داریم در محضر تمام ایرانیان و ایرانی نژادان بلکه قاطبه مسلمانیان که چشم انتظار سعادت بطریق ما دوخته اند و صوتی رسا که در همه آفاق منتشر شود از خود دفاع کرده و مظلومیت و بیچارگی خود را بسرحد ثبوت میرسانیم و از عموم ملت که بدانز امتحانات چهارده ساله حسن ظن خود را شامل حال ما فرموده اند استدعی میشویم که راضی نشوند مقصر بدون مجازات بماند شرفی یک چنین اداره بزرگ اسلامی محض هوس چند تن بر باد رود و کسگره عمارت آزادی و حریت بمدقه قهر مستبدین بر زمین فرو ریزد و پای منحوس ظلم و جور دوساره در خاک پاک ایران باز شود — البته هموطنان محترم بسببوند که تضییع حقوق یگردد ملت تضییع حقوق کاه ملت است و تامل رفع ظلم از افراد را مورد کمال عنایت و التفات سازند و مانند فرانسویان هفت سال متجاوز مسئله در ایفوس را دنبال نکنند ممکن نیست استبداد ریشه کن شود — بهر حال هر عود بطلب کرده عرض میکنیم

دین موسوی ظاهر شد در صورتیکه اجازت نمیداد بیک نفر که مذهب دیگری غیر دین یهود را اختیار نماید و هر کس مجبور میشد یا بدین بان شریعت را قبول کرده یا از ضربت شمشیر شربت ناکوار مرگ بنوشد و هرگز یهود با سایر مال که در عقیده مخالف بودند مسامحت و مراد را جایز نمیدانستند سایر مذاهب نیز دخول در حوزه دیانت را اجباری قرار داده ارباب مذاهب سایر را قابل ابقاء نمیدانستند و بدین سبب جنگهای شدید که منجر بکشتار هزارها نفوس بود مکرر صدمه عالم را فرو میگردانست و تعصب مذهبی اذن نمیداد که مال در مذهب راحت افادت کنند تا آنکه دین اسلام ترزل نمود با عدل حقیقی و مساوات واقعی و آیه (ان الاله یامر بالعدل و الاحسان) بگوش اهل عالم رسانید که پایه و اساس دین حنیف اسلام بر نیتی ووداد است در ارکان آیات بینات که

برای اسکات اهل عالم کافی بود بر صبر روز رسانید و حقیقت شریعت غراء اسلام را کاشمش فی رابطة النصار هوید و روشن ساخت و با اینهمه کریمه (من شاء فلزمن و من شاء فلیکفر) واقع اجبار قرار داد و عریضه (لا اکره فی الدین قد تبین المرشد من الاهی) صلاهی عام در داد که دین حنیف پس از آنکه معلوم شد یگانه طریقه خدا پرستی است و صراط المستقیم رشد و هدایت است رخصت اکره نمیدههد و احدی را پیش از آنکه بقلب اذعان نماید بدخول حوزه دین مجبور نمیسازد شریعت غراء و سینه تعصب و بیهانه تعصب نیست و مایل مذاهب سایر نه (لکم دینکم ولی دین) خیر داد که خداوند متعال این شرع را برای تکمیل نفس و تهذیب خلق و ارائه طرق خیر و صلاح در معاش نازل فرموده و بجهتک و خونریزی امر فرموده ولی برای رفع اختلاف و دفع تلاطم امواج تراغ مقرر فرموده که دیگران که فرورفته در دریای تعصب مذهبی هستند قدم بحاربه بجانب اسلامیان نهند و بقصد قتل و غارت وارد بلاد مسلمانان نگردند و الا کافر محاربند و قتلشان در شریعت واجب و هر کس از اصحاب مذاهب دیگر که صاحب کتاب باشند در ظل حمایت دین اسلام میتوانند با کمال خوشی و راحت زندگانی کنند اموالشان از تعدی معصوم و جان و شرفشان از تعرض محفوظ احدی حق ندارد کلمه نسبت بد بانها توهین نماید و حرفی که منافی احترامشان باشد اظهار کند پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز مکرر در حضور اصحاب این فرق را که در زیر لواء اسلام و در ذمه پادشاه اسلامند توصیه فرمود و دقایق احترامشان را منظور نمود تا این قبایل بلاد اسلامی را امن و بجل امان و راحت دانسته یکدل و یک جهت از روی حقیقت و راستی خدمت کنند و بلاد مسلمانان را آباد سازند و در ماهدائیکه در زمان حضرت ختمی مرتبت و خلفاء با صاحبان این مذاهب بخصوص مجوس و نصاری منقذ گردیده صریحا این امر توضیح شده و محض آنکه مشترکین ماغایبا از زبان عربی معروم هستند از درج عین آن عهد نامحاجات صرفی نظر کردیم ولی آنها که اهل کمانند و در فقه و قوانین اسلامی زحمت کشیده میدانند ماچه میگوئیم اگر چه جهال حمل بر معانی دیگر کنند و بر حسب مقدار درهم و دنانیر توجیحات مالا یرضی صاحب بنمایند —

بلی وضع این قانون الهی ممالک اسلامی را در فاصله اندک قسمی آباد و مأمور نمود که رشک بهشت برین گردید در زمان خلفاء عباسی خصوص زمان هارون و مأمون بواسطه راحتی که جماعت لسطوریهها و یهود و مجوس داشتند بلکه بزرگانشان مورد توجه و

مراحم خلفاء واقع میشدند چنانکه عنایات هارون و خلفائش در باره جبرئیل بن بختیشوع و سایر اطباء یهودی و مسطوری را تاریخ ضبط آبدی نموده از هر طرف بدست دارالسلام هجوم کرده در عرض سالی اندک کتب یونانی و لاتینی و عبری و فارسی و غیره را ترجمه کرده علوم و فنون شایع شد مدارس متعدده و داراللمهای عالییه که از آنجمله است مدرسه نظامیه و مستصریه و غیره از هجوم طلاب چون دریا موج میزد حکماء و فلاسفه و اطباء حاذق که دیده روزگار نظیرشان را ندیده در میان اسلامیان ظاهر شد چون ابن رشد و ابن سینا و فارابی و ابن زکریای رازی و نظام الملک و خواجه نصیر الدین طوسی و... علم هیئت و فلک و طب و فلسفه و فقه و ادبیات و ریاضیات بسرحد تعدل رسید قانون شیخ الرئیس تاهزار سال در اروپا مرجع همه اطباء بود برای تعیین مساحت زمین بیست و یک فرسخ را تسطیح کردند جبر و مقابله و قرع و اتبیق و غیره اختراع شد رصد خانهای عالی در سمرقند و مراغه و سایر بلاد بنا شد کتابخانهای بزرگ که حاوی چندین گزور کتب بود دثر گردید که از آنجمله هفتاد کتابخانه در قرطبه و غرناطه تاسیس گردید

خلاصه در پناه این آزادی که مخترع اصلی آن صاحب حریت اسلامی است اسلام عالم را منور ساخت و بر نوع بشر و علم علم و معارف منت بزرگی ثابت نمود که تا انقضای دهر از لوح سینه تاریخ و تاریخ دانان محو نخواهد گردید و بالاخره از پر تو این شمع منور بود که قطعه مغرب زمین نورانی و محیط رحل علم و علماء گردید ۱. بدینخانه طولی نکشید که دست استبداد ظالمانه و نصب احمقانه این قانون محکم اسلامی را زیر پا و پشت سر افکند رؤساء جسمانی محض طمع باموال و ناموس ارباب مذاهب سائره و بیض عالم نمایان از حریت بیخبر را برای نصب جاهلانه که مبداء اصلی آن جذب و جلب قلوب عوام کالاتام بود از دو طرف زور آورده که ملا و مشه یهودی را در کاشان بد از مردن از قبر در آورده و از باروت انباشته و آتش زده و اموالش را عبد الرزاق خان حاکم بمصب و علف تصاحب کرده قتل عام مجوس در صحنه یزد و کرمان مکر و لکه تاریخی روی مسامانها نهاد این حرکت که سر تا پا بر خلاف دیانت محمدیه ۴ بود تا نون مذهبی جلوه گر شده حمله ارازل بر دختران تارک دنیا دین پاک را در انتظار طور دیگر نمایش داده قلوبی را که صاحب حریت بدان قسمت عمده از بیبت المال و زکوة امر تبالیف و تانیس فرموده قسمی آنرجار و تنفر حاصل شد که برای استخلاص

ازین آتش سوزان ار هر طرف در تکاپو و جستجو شدند و چندانکه التماس کردند خدا و ملائکه را شفیع گردند در مقابل قوه طماعه و حالت وحشیانه جهال متعج هیچ نتیجه نگردید - و با اینکه این مسئله در عداد مسلمیات بلکه میتوان از ضرورتات اسلام شمرد بطایف حبل ابواب ظلم و جور را باز گردند و حدیث شریف حضرت ختمی مرتبت را که فرموده (هر کس اهل ذمه را اذیت کند مرا اذیت کرده) از خاطر شقاوت تخمیر محو ساختند و در بین یک خلط مباحی نموده از مغرب کنده به شرق خیمه زدند توضیح آنکه یکی از احکام شریمت آنستکه مرتد فطری واجب القتل است و توبه اش اسباب رفع حکم قتلش نمیشود یعنی اگر بگنفر مسلمان مسلمان نژاد که از بطن اسلامی متولد شده باشد مرتد گردد و از دین خارج شود و مرد باشد قتلش لازم و توبه اش فائده در مقام ظالم ندارد و کسی نیز این مسئله را منکر نیست و لب به مخالفت نکشوده لکن موضوع بحث ما در طوائفی است که اصلا یهودی یا نصاری یا مجوس باشند و بی شبهه حکم محکم اسلامی اینست که این جمع اگر رعیت پادشاه اسلام بوده و در مقام اطاعت همه قسم حاضر شوند احدی حق ندارد کلمه که بوی توهین بدهد نسبت بدانها بر زبان جاری کرده و حرکتی که بقدر خردلی موجب ضرر و اذیت شان گردد مرتکب شود - (بقیه دارد)

خلاصه مذاکرات مجلس دار الشوری

(شنبه ۱۱ رمضان)

لایحه از انجمن زر دشتیان طهران قرائت شد مبتنی بر تشکر و امتنان از مجلس مقدس و اقدامات حجج اسلام و وکلای عظام و اظهار خلوص از رعیت پروری و مراحم ملوکانه اعلیحضرت شاهنشاهی در اتمام و صحت قانون اساسی خصوص بالنسبه بماده راجعه در تساوی حقوق جذب رئیس اظهار داشتند که بعضی تاکرات از و لایات از این طایفه و هم از ارمنه که همه مشتمل بر اظهار تشکر و امتنان است رسیده و قرائت آنها موجب صرفی اوقات مجلس است حاجی سید نصر الله اظهار داشتند که همه طوائف و قبایل اظهار تشکر و امتنان را از قانون اساسی دارند الا اینکه بعضی اشخاص هستند که مسلک و طریقه ایشان غیر معلوم است تشکر نکرده در صدد تعرض و ایراد بقانون اساسی میبایهند علاوه از دین اسلام تشکر داشته دلسوزی برای سلطان مینمایند که باید آزادی مذهب باهد سلطان و سی گزور نفوس را تحمیل مینمایند که

دست از دین خود بردارند آخر چه باعث این حرفهاست و چه نقصی در دین اسلام است و کدام دین است که اصول آن و افی و جامع و کاملی از برای ترقیات است چرا روزنامه حبل المتین چنین مقاله مینویسد پس فایده این مجلس چیست و سزای اینگونه اشخاص چه چیز است معلوم میشود که اینها جز خرابی و هوروش قضای دیگر ندارند و چنین وانمود میشود که بدولتی بستگی دارند و پول میکشند که این چیزها را مینویسند بعد از مذاکرات و تعرضات زیاد قرار شده که بوزارت عاموم نوشته شود و میروند و آن استتقاق شده مجازات شود و گفته شد که این ایرادات هم که در روزنامه شده تمام به محل است اولاً انتخاب طبقاً می در دوره اول سهل و اقرب بصواب است بجهت اینکه عموم مردم عالم و واقف نیستند تا از روی عده نفوس انتخاب شوند و تا اینبار طوایف هم حق انتخاب داده شد منتهی طایفه یهود و نصاری حق خودشان را احتراماً باقیان بدل کردند و زردشتیان که از برای خود وکیل انتخاب نمودند علاوه از همه خلای بولتیک هم نوشته است

تلگرافی از انجمن ولایتی زنجان در جواب تلگراف مجلس مقدس قرائت شد که ظلم جهانشاه خان چند مقابل بیش از پیش است و در حقیقت حد از مراجعت از این سفر مثل این است که داعیه سلطنت دارد و چیزی از ظلم فروگذار نمیکند کاعذی از جهانشاه خان قرائت شد که بده در خدمت گذاری بدولت و ملت همیشه حاضر بوده و هستم و این تشکیات کلیه بی اصل است از اجائیکه اسعد الدوله نهایت ظلم را در حق ایلی که منتسب بمن هستند نموده و اینها اظهار نظم و شکایت باولایای دولت کردند بده مامور از برای رفع ظلم شدم اینست که میخواهد اشتباه نماید و علم الاتصال باولایای امور ریورث خلای میدهد گفتند که این اظهارات جهانشاه خان بکلی بی اصل است و اسعد الدوله شخص درستی است باید این ایل جدید از او انتزاع بشود و خودش هم حاضر شود در خصوص وزیر داخله اظهار داشتند که از اول هم مجلس اطمینان باین کابینه نداشت ولی تادیا قبول کرد و حال معلوم میشود که از عهد ایشان خارج است و نمی تواند نظم بدهد کابینه و کلا اظهار سبب اطمینان از این کابینه نمودند و گفتند باید تغییر داده شود و از اشخاصی انتخاب شود که علم با اصول مشروطیت و واقف بمقتضیات عصر و کاهی باشند و لازم نیست که از صاحبان ثروت و پارت باشند از درجا نازله باشند حد از اظهارات زیاد رای گرفته شد بر تغییر این هیئت

تلگرافی از وزیر اکرم قرائت شد که در صورت عدم خیانت و عدم اظهار تشکی اهلای گیلان بجهت قانون مرا عزل کردند عزل می جهت در ردیف خیانت است باین ترتیب هم اطمینان و وثوقی نیست گفته شد که وزیر داخله در این ماده جواب داد که اگر من مسئولم باید عزل خود بجهت آنکه نمی تواند نظم بدهد دیگر جای ایراد و گفتگو نیست اگر حرفی دارد باید در عدلیه از دست وزیر داخله تشکی نماید در باب استعراض داخله و دادن حقوق ارباب حقوق مذاکره بمیان آمد گفته شد که فعلاً معادل دو کرور باید قرض شود و از بابت حقوق یونت تیل تومانی پنجمین داده شود ولی قشون همان تومان داده شود انهم از بابت مواجب و جیره نه از بابت ملبوس و حقوق باقی مانده سنوات دیگر باشد تا زمانی که پولی پیدا شود و بمحاسبات رسیده گی شود و اشخاصیکه باید پول بدهند قبولات هم عوض پول از ایشان قبول میشود اظهار شد که محتشم السلطنه چنین اظهار داشتند که در صورت مهیا شدن آن ترییات و شروطی را که گفتیم برای ماموریت کمیسیون سر حدی استعفا میدهم و از عهد من خارج است گفته شد که او مامور است و حق مامور اینست که برود دیگر فرستادن یا نفرستادن قشون با دولت است ربطی باو ندارد سایر شرایط و پول هر چه بخواهد حاضر و موجود است با این اغتشاشات و انقلابات سر حدی که تمام عشایر تسلیم شدند و عساکر عثمانی ساوجبلاغ را تصرف کردند جای این گفتگوها نیست (مجلس ختم شد)

(اعلان)

(علم عکاسی جدید)

کتابی است مفصل که با کمال دقت با قرائت خیلی سهل تمام مطالب جدید و نو ظهور عکاسی را شرح میدهد تالیف کار نیک خان دالسیجیان هوا ساز روبروی تلکرافخانه مبارکه قیمت جلدی پنجمین دینار است اگر از ولایات هم خواسته شود با جرت است باید ارسال شود

(اعلان)

دکتر استپانیا حکیم مخصوص دندانسازی اعلی حضرت همایونی در خیابان علاء الدوله رو بروی خانه امیر نظام کارخانه دندانسازی خیلی ممتاز و مکمل باز نموده و قبول می نماید همه جور ناخوشیهای دندان را ملاحظه نماید بطرز بسیار امریکائی و هم روز صبح از ساعت هشت الی دوازده فرنگی و بعد از ظهر از ساعت دو الی شش فرنگی در محل ممرض برای رجوع کنندگان حاضر است

(حسن الحسینی الکاشانی)